

به یاد بهروان

اعلام برائت یک شهروند تهرانی از همکاری در ساخت «زن ها فرشته اند»

زمان انتشار: خرداد ماه ۱۳۸۷

چاپ شده در: این مطلب در هیچ نشریه ای به چاپ نرسید

این یادداشت برای بخش "خشت و آینه" ماهنامه فیلم، در واکنش به عبارتی نوشته شد که در انتهای فیلم "زن ها فرشته اند" ساخته شهرام شاه حسینی آمده بود و در آن از تمام شهروندان تهرانی که «در ساخت این فیلم ما را یاری کردند» تشکر کرده بودند! و البته به دلیل صراحت انتقادش، در ماهنامه فیلم به چاپ نرسید.

*

*

این روزها که همه ذهن و زندگی مان درگیر مسابقات فوتبال یورو ۲۰۰۸ است و از بابت این گرایش نامنورالفکرانه هم هیچ شرمگین نیستیم، رخ دادن اتفاقی در تیتراژ فیلم ایرانی آزارنده و شرم زای زن ها فرشته اند، مرا به یاد یکی از آن انبوه پایان ناپذیر اشتباهات فوتبالی و ادبی عباس بهروان، گزارشگر مفرح سال های نه چندان دور پخش تلویزیونی مسابقات فوتبال انداخت. آن اواخر که او را با وجود بقایای مشخص آن سانحه تلخ تصادف بر رخسارش، در جایگاه مجری برنامه های ورزشی به تلویزیون می آوردند، یک بار هنگام پخش یکی از بازی های یکی از تیم های اصفهانی تعارف عظیم و عجیبی به زبان آورد که در تاریخ گویندگی تلویزیون، از فرط اغراق آمیز بودن سپاس و ستایش هایی که مجریان تکه پاره می کنند، منحصر به فرد بود. او در آغاز نیمه دوم بازی گفت: «یگ خسته نباشید خدمت همکارانم در استادیوم نقش جهان اصفهان؛ و یگ خسته نباشید... (این جا کمی مکث کرد؛ همه تشکرات لازم را کرده بود و نمی دانست در ادامه، دیگر از چه کسی تشکر کند تا جمله را به پایان ببرد!)... و یگ خسته نباشید خدمت همه عزیزانی که در هر کجای این کره خاکی دارند زحمت می کشند!» تصورش را بکنید، مجری برنامه ورزشی تلویزیون ایران به خانم خدمتکاری که دارد لیوان های یک کافه را در جنوب شهر سائوپائولوی برزیل تمیز می کند یا به پیرمرد لوله کشی که دارد گرفتگی مسیر یک شومینه را در ویلایی در

حومه هلسینکی فنلاند تعمیر می کند، معلوم نیست چرا خسته نباشید می گوید؛ بی هیچ ربطی به فوتبال و رسانه و ایران و غیره!

در تیتراژ پایانی فیلم دوم شهرام شاه حسینی محصول کارخانجات ژنریک ساز پویا فیلم آمده است: «با تشکر از همه شهروندان خوب تهرانی که ما را در ساخت این فیلم یاری کردند!» (نقل به مضمون). از خودم و شما می پرسم: واقعاً کدام یک از ما در تولید چنین کاری حاضر به همکاری بوده ایم یا هستیم؟ کدام مان جسارت خانم ها نیکی کریمی و مهتاب کرامتی را داریم که مطمئن باشیم کارنامه هنری مان با حضور در چنین فیلمی خدشه دار نمی شود که هیچ، چه بسا گستردگی همه جانبه ای هم می یابد؟ چرا باید مثل اهالی ساده دل روستایی در حوالی کهک که مثلاً لوکیشن ساخت فیلمی بوده، باید همه شهروندان تهران را بابت این که فیلمی در خانه ها و خیابان های آن فیلمبرداری شده، دخیل و سهیم بدانیم؟ اگر همه ده پانزده میلیون تهران نشین دیگر این زمانه هم این همکاری را بپذیرند، من یکی شخصاً از همراهی در این پروژه اعلام برائت می کنم. زرشک زرین را که اعلام برائت عمومی بود، متوقف کردند؛ اما حق این اعلام برائت را از افراد که نمی توان گرفت؛ می توان؟!!